

درباره مفهوم واج :نگاهی به فارسی

عطاله ملکی

گروه زبان انگلیسی - دانشگاه علوم پزشکی همدان

چکیده :

واج یک عنصر پایه ایست که از تقطیع کلام حاصل می شود. واج به عنوان یک طبقه در نظر گرفته می شود و نه یک عنصر ساده. این واقعیت با تحلیل قیاسی از سطوح بالاتر نشان داده شده است. واجها در بافت‌های مختلف دارای نمادهای آوایی متفاوتند. نمادهای آوایی واجها نسبت به هم در وضعیت توزیع تکمیلی هستند و بنابراین ممیز معنا نیستند. از سوی دیگر واجها می توانند ممیز باشند و در آن صورت در وضعیت توزیع مشابه‌اند. ممکن است زبانها دارای فهرستهای واجی مشابه باشند لکن توزیعشان تفاوت داشته باشد.

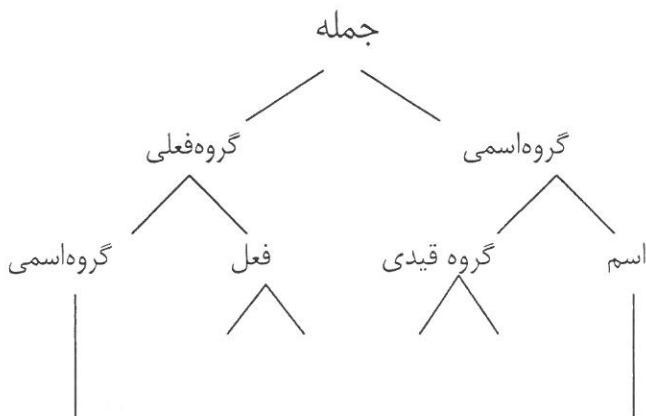
کلید واژه‌ها: واج - تکواژ - تنظیم واجی - تنظیم دستوری - تنظیم تکواژی - سطح نمادی

مقدمه

برای درک مفهوم واج لازم است ابتدا به تقطیع و طبقه بندی گفته‌ها پردازیم . گفته‌ها از عناصر مجزا ساخته می شوند و همین عناصر در ترکیبات جدید تکرار می شوند(بنابراین :اردک ها غازها را دوست دارند ،غازها اردک ها را دوست دارند ،غازها از شکارچی ها گریزانند،شکارچی ها غازها را دنبال می کنند) . بعضی از اینها را 'کلمه' می خوانیم (غاز، اردک)بعضی دیگر، مثل پسوند ها وپیشوند ها (ها،ند،می)،از موقعیت متفاوتی برخوردارند .

بطور کلی،گروه اول را به صورتهای واژگانی وگروه دوم را به صورتهای دستوری می خوانند. صورتهای دستوری را 'وند' نیز می گویند . 'وندها' ممکن است اشتقاقی (مثلاً 'ها')ویا تصریفی(مثلاً 'می')باشند.صورتهای واژگانی ودستوری زیر شاخه‌های مقوله وسیع تری به نام تکواژند .تکواژ کوچکترین عنصر معنادار غیر قابل تجزیه است .ویا تکواژ کوچکترین واحد ساختمانی نحو است .بنابراین ،می توانیم 'غازها' را به صورت 'غاز' و 'ها' تقطیع کنیم ولی هیچ یک از اینها قابل تجزیه به واحدهای کوچکترمعنادار نیستند . فهرست تمامی تکواژهای یک زبان را واژگان آن زبان می گویند .

ملاحظه می شود که ملاک 'ریز گرای' است . تقریباً تمامی نظریه های زبانشناسی بگونه‌ای به تقطیع متکی هستند :اختلاف مهمشان درتحلیل کل به جزء یا جزء به کل است . به تقطیع جمله 'شتر در خواب بیند پنبه دانه' توجه کنید :



حرف اضافه	اسم	ستاک	وند		
در	خواب	بین	اد	پنبه دانه	
[d φr]	[xʌb]	[bin]	[φd]	[ph φmbebd ʌne]	

نمودار فوق یک رشته ارتباطات سازه‌ای را به نمایش می‌گذارد. این جمله از یک گروه اسمی متشکل از یک اسم و گروه قیدی است والی آخر. به همین ترتیب تقطیع ادامه می‌یابد تا در سطح آوایی به زنجیره‌ای از قطعات مثل { φ } با ضافه [d] ختم می‌شود. در این روش بالحاظ سازه شناسی به تکواژهایی مثل شتر، در، اد و به لحاظ آوا شناسی به آواهایی مثل [d] ، [] ، [×] می‌رسیم .

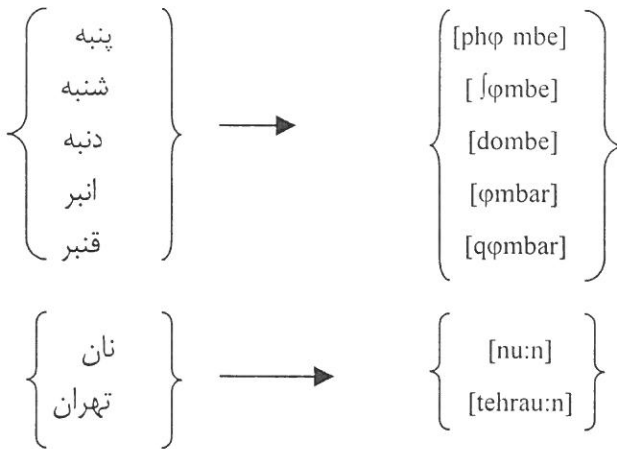
مشاهده می‌شود که بعضی از تکواژها می‌توانند در بافتهای مختلف رخ دهند: برای مثال، 'خواب' در خواب آلوده، خوابزده، پر خواب و وند، 'اد' در بیند، بینم، بینند. همچنین، در گروه اسمی منشعب از گروه فعلی، تکواژ 'پنبه' شکل آوایی متفاوتی دارد ([ph φ mbe]).

در اینجا لازم است تکواژ را عمیق تر بررسی کنیم. 'پنبه' در این شکل یک تکواژ نیست بلکه تمامی موارد وقوع آن اعم از نوشتاری یا آوایی نمایانگر تکواژ { پنبه } هستند. اینها زنجیره‌های آوایی هستند که نامشان تکواژ گونه است. تکواژ گونه یعنی نماد دیگری از یک تکواژ در یک بافت زبانی خاص. پس [ph φ nbe] و [ph φ mbe] و [ph φ mme] تکواژ گونه‌های تکواژ { پنبه } هستند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که تکواژ گونه را باید به عنوان یک طبقه در نظر داشت و نه یک عنصر. در آن صورت، تکواژ گونه‌ها اعضای این طبقه بوده و دارای ساختار خاصی هستند. تکواژ گونه‌های یک تکواژ دو خاصیت دارند: (الف) ثبات معنایی و (ب) قابلیت پیش بینی وقوع. این خواص سبب می‌شوند که آنها را به یک طبقه نسبت دهیم. در { پنبه }، شکل آوایی [n] با توجه به قطعه ما بعد خود قابل پیش بینی است. در کلمات دیگری همچون شنبه، دنبه، انبر، قنبر، همین پیش بینی امکان پذیر است. همچنین در 'نان' شکل

آوایی [a:] در بعضی گویش های فارسی (مثلاً تهرانی) بر اساس قطعه متعاقبش قابل پیش بینی است .

می توانیم این قاعده را با فرمول های زیر تعمیم دهیم :



مشاهده می شود که وجود تکواژ گونه های فوق به زنجیره های آوایی تکواژها را تنظیم واجی می گویند. وند 'اد' در بیند، بینم و بینند با توجه به فاعل فعل تنظیم می شود .

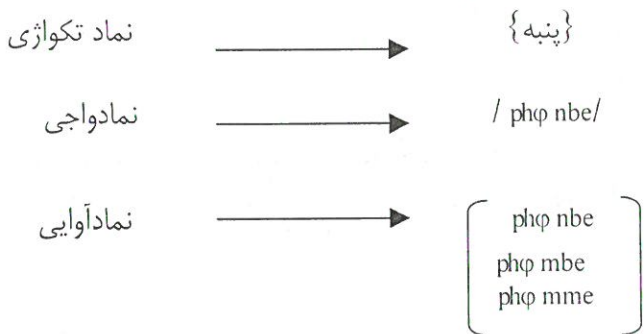
بحث

(۱) نقش واج

آنچه که در بالا گفته شد حاکی از آن است که بین شکل تکواژ و ماده آوایی تطابق آشکاری وجود دارد :

یعنی تکواژها به صورت زنجیره های آوایی تحقق می یابند. اما یقیناً چنین توصیفی کاملاً ساده شده است زیرا سطوحی بینابین وجود دارند که از سطح آوایی انتزاعی تر لکن از سطح تکواژی عینی ترند. تکواژها مستقیماً به صورت آواها تحقق نمی یابند بلکه خود آواها بخشی از یک ساختار دو سطحی هستند و تکواژها به صورت زنجیره های این واحدها نمایان می شوند .

این واحدها واج هستند که به شکل واجگونه‌ها تحقق می‌یابند. در تکواژگونه [ph] [m]، φmbe] واجگونه واج /n/ ودر تکواژگونه [nu:n]، [u:]، واجگونه واج /a:/ است. واجگونه‌ها ممیز معنا نیستند فقط ویژگیهای گوینده از قبیل جنسیت، تابعیت و غیره را نشان می‌دهند. پس، تکواژگونه‌های [na:n] و [nu:n] اختلاف معنایی ندارند و کاربردشان صرفاً بستگی به خصوصیات فردی و اجتماعی گوینده دارد. از طرف دیگر، اختلاف واج‌ها به لحاظ واژگانی مهم و ممیز معناست. بنابراین، اختلاف معنای تکواژهای 'نان' و 'نام' به اختلاف واج‌های /N/ و /M/ بستگی دارد. واجها را عناصر نظام یافته و واجگونه‌ها را عناصر غیر نظام یافته می‌گویند. عناصر نظام یافته بخش علامت‌رسانی زبان را می‌سازند و عناصر غیر نظام یافته نمادهای قابل پیش‌بینی عناصر نظام یافته‌اند. حال اگر واجگونه‌ها را در گروه، واجها را در خطوط مورب و تک‌واژها را در آکولاد قرار دهیم، می‌توانیم سطوح نمادی کلمه 'پنبه' را به شکل زیر ترسیم:



مشاهده می‌شود که در نمادآوایی، [ph] دمیده است ودر برخی از گویش‌های فارسی نمادآوایی با حذف [b] و جایگزینی آن با [m] تظاهر می‌کند. نمودار بالا حاکی از این است که تکواژها به صورت تکواژهایی که در قالب واج تحقق می‌یابند طرح‌ریزی شده‌اند و واجها به شکل واجگونه‌هایی که به صورت نمادهای آوایی طرح‌ریزی شده‌اند ظاهر می‌شوند.

(۲) معیارهای واج‌بودن

چگونه می توان واجهای نمادهای آوایی را مشخص کرد؟ چگونه می توان به نظام های واجی دست یافت ورخدادهای آوایی را سازمان داد؟ به زوج واج /b/ و /p/ توجه کنید. این دو در وضعیت تقابلی قرار دارند و بنابراین، دو عنصر را از هم متمایز می سازند. دو عنصر گفتاری که به لحاظ واجی متمایزند دو کلمه متفاوت محسوب می شوند. پس عناصر گفتاری 'پند' و 'بند' دو کلمه فارسی بادو معنای متفاوتند. به منظور درک نقش توزیع آواها در برقراری تقابل ونیز برای تهیه فهرست واجهای یک زبان لازم است رابطه بین توزیع و تقابل را بررسی کنیم.

در زبان فارسی بستواج بیواک /p/ در اول کلمه ها پیش از واکه های تکیه دار دمیده است ،لکن در پایان کلمه ها دمیده نیست. در چنین حالتی [p] و [ph] جانشین هم نمی شوند و بنابراین در وضعیت توزیع تکمیلی قراردارند. به طور کلی، دو آوایی که در وضعیت توزیع تکمیلی باشند واجگونه های یک واجند و هرگز نمی توانند حالت تقابلی داشته باشند. لازمه تقابل، توزیع مشابه آواهاست. برای مثال، آواهای آغازین کلمات سر، زر، تر، در، پر، بر، دارای توزیع مشابه اند و در نتیجه ارتباط تقابلی دارند.

تقابل یک مفهوم پایه ای است: هرگاه یک آوارا جانشین آوای دیگر کنیم و در نتیجه این جانشین سازی دو کلمه یادو تکواژ متفاوت حاصل شود، می گوییم که آن دو آوادر تقابلند. به کمک تقابل می توانیم فهرست واجهای یک زبان را فراهم کنیم. بنابراین با داشتن چارچوب { -p r } در مثال های بالا، قادریم فهرست واجهای [s z t d k g] را تهیه کنیم. تقابل واجهای آغازین کلمه های فوق رامی توان به شکل زیر نمایش گذاشت:

$$s\varphi r / \neq /z\varphi r / \neq /t\varphi r / \neq /d\varphi r / \neq /p\varphi r / \neq /b\varphi r /$$

این کلمه ها در تقابل کمینه هستند و هر جفت را یک جفت کمینه می گویند. در واج شناسی سنتی، کشف جفت کمینه ها روش اصلی برقراری فهرست واجهاست (این شرط لازم برای مطالعه یک زبان ناشناخته است).

البته این شیوه همیشه سهل الحصول نیست زیرا که همه واجهای بالقوه یک زبان در هر بافتی وضعیت تقابلی ندارند. بدین ترتیب چون که توزیع /3/ در فارسی امروز محدود

می باشد، یافتن جفت کمینه برای واجها / 3 / و / آ / سخت است برای مثال، در حالی که فارسی دارای خوشه همخوانی / t / (مثلاً کشت و مشت) در پایان کلمات است، همتای / 3t / آن، وجود ندارد. در این حالت می گوئیم که در فارسی / 3 / و / آ / توزیع ناقص دارند. بطور خلاصه، واج طبقه‌ای از آواهای مشابه است که نسبت به هم وضعیت توزیع تکمیلی دارند. این تعریف، تعریف عملیاتی واج است زیرا واجها بر اثر عملیاتی که روی داده ها انجام می گیرد حاصل میشوند. در این تعریف از جایگاه واج در دستور زبان واز نمودروانشناختی آن سخنی گفته نشده است.

(۳) تحلیل واجی و محدودیتهای آن

تحلیل واجی به عمل فراهم سازی صورت واجها و گزارش توزیع آنها ونیز قواعد تعیین کننده اعضای هر یک از آنها دلالت می نماید. تحلیل واجی ساختار اصلی تکواژها را به طور جامع مشخص می کند. تحلیل واجی سه فهرست عمده دارد:

فهرست واجها

فهرست قواعد واجگونگی

فهرست قواعد واج آرایی

لازم است به هریک از اینها به اختصار پردازیم :

(الف) فهرست واجها: این در واقع سیاههٔ تمامی واجهای یک زبان خاص است. هر یک از این واجها با نشانه خاصی به نمایش گذاشته می شود. زبان فارسی ۳۰ واج دارد که ۷ عدد آن واکه و ۲۳ عدد آنها همخوان می باشند.

(ب) فهرست قواعد واجگونگی: اینها را می توان یا با استفاده از جمله های ساده اظهاری و یا با به کارگیری نوعی دستگاه نشان گذاری فهرست بندی کرد. در حالت اول لازم است که تعاریف، جامع و عاری از خط باشد. در حالت دوم از دستگاه نشان گذاری که امروزه در اکثر نظامهای واج شناسی ب کار می رود استفاده می شود. نمونه ای از یک دستگاه نشان گذاری مرسوم بشکل زیر است :

$$X \longrightarrow \left\{ \begin{array}{l} y/ \text{ — } a \\ z/ \text{ b — } \\ x \text{ — } \end{array} \right\}$$

طبق دستگاه نشان گذاری بالا، یک عنصر فرضی مثل X پیش از A به صورت Y، پس از B به صورت Z و جای دیگر به صورت X تحقق می یابد.

(ج) فهرست قواعد واج آرای: ممکن است دو زبان با فهرست واجی مشابه دارای قواعد توزیع واجی متفاوت در تکواژها، کلمه ها و جملات باشند. بنابراین گرچه در فارسی و انگلیسی فهرست بستووجهای /pbt dkg/ مشابه است ولی توزیعشان تفاوت دارد. به عنوان مثال، گرچه در انگلیسی خوشه های همخوانی /SP/ و /ST/ و /SK/ در کلماتی مثل skate و start و spit مجازند ولی در فارسی غیر ممکن اند. و یا گرچه در انگلیسی و فارسی همخوان سایشی /3/ وجود دارد ولی توزیعش در فارسی از انگلیسی آزادتر است در زبان ' و 'مژده' و 'کوژ'، /3/ به ترتیب در اول، وسط و پایان کلمه ها بکاررفته است. از سوی دیگر، در زبان انگلیسی ×× فقط در وسط کلمات ظاهر می شود (مثلاً measure).

خلاصه و نتیجه گیری

واج یک عنصر پایه ای است که از تقطیع کلام حاصل می شود بهتر است از واج تحت عنوان یک طبقه ونه یک عنصر ساده بحث کنیم. واج ها در بافتهای مختلف نمادهای آوایی متفاوتی خواهند داشت. این نمادهای آوایی متفاوت را واجگونه های یک واج می نامند.

واجگونه ها نسبت به هم در وضعیت توزیع تکمیلی هستند و بنابراین جایگزین هم نمی شوند. یکی از معیارهای واج بودن واجها توزیع مشابه آنهاست. هرگاه دو آوا را جانشین هم کنیم و دو کلمه متفاوت حاصل شود آن دو آوا توزیع مشابه دارند و بنابراین واج هستند.

در این صورت گفته می شود که واجها نسبت به هم ارتباط تقابلی دارند. گرچه ممکن است فهرست واجهای دو زبان یکسان باشد لکن احتمالاً توزیعشان متفاوت است. نمونه هایی را در این باب در فارسی و انگلیسی بررسی نمودیم .

references:

- Bauer, L.(1983) . English word –formation. Cambridge University press.**
- Hyman, L.(1975) . Phonology :theory and analysis. Holt , rinehart and winston .**
- Lass .R.(1984) . Phonology: An introduction to basic concepts.Cambridge University Press.**
- Laver ,J.(1994) . Principles of phonetics. Cambridge University press.**
- Schane . S . (1973) . Genertative phonology .Prentice Hall, INC.**